

دباجه

روش‌شناسی تحقیقات علوم انسانی

به نام آتش‌افروز دل من به شوراننده آب و گل من
که تا یک گل ز آب و گل بروید صد اخگر گل برویاند دل من

امروزه، سازمانها در همه جنبه‌های زندگی بشر گسترده شده‌اند و اعم از سطحی‌ترین و ساده‌ترین آنها (خانواده، مزرعه و غیره) تا پیچیده‌ترینشان (مانند نهادهای بین‌المللی، شرکتهای چندملیتی و غیره) به قدری در تار و پود زندگی جوامع بشری تنیده و با آن عجین شده‌اند که بخش جدایی‌ناپذیر آنها گشته‌اند و در بسیاری از موارد به شکل نهادهای ثانویه درآمده‌اند. سازمان در زندگی انسان طراز نو یک پدیده ناشناخته و پیچیده و یک معضل اجتماعی است. بنابراین شناخت علمی این پدیده، علاوه بر مشخص کردن پیچیدگیها و ابعاد ناشناخته آن، یک نسخه علمی برای چاره‌جویی زیربنایی و درمان بسیاری از معضلات اجتماعی فراهم می‌کند.

شناخت علمی بخش عظیمی از موضوعات علوم انسانی از حیث محدود روشهای تجربی خردنگر و استقرایی فراتر رفته است، زیرا پیچیدگی و تنوع متغیرهای قابل ردگیری و شناسایی (حتی با فرض نادیده گرفتن عوامل و متغیرهای ناشناخته یا کنترل‌ناپذیر) به قدری است که همواره به جای روابط خطی و علی‌الگوها و طرحهای چندعلتی و چندمعلولی به صورت غیرخطی و شبکه‌ای از روابط درهم تنیده ظاهر می‌شوند. لذا شناخت علمی آنها (تا حد امکان) مستلزم روشهای فکری کلی‌نگر^(۱) و جامع^(۲) است و سطح تحلیل و بررسی چنان موضوعاتی خواهد بود که از سطح خرد^۱ و آزمایشگاهی^۲ به سطح کلان^۱ انتقال یافته است. در یک کلام، شناخت

دقیق و علمی موضوعات انسانی، رفتاری و اجتماعی نیاز به نظریه دارد و بدون یک نظریه معتبر علمی، شناخت در حوزه علوم انسانی به جایی نمی‌رسد و قطعاً نظریه‌های کلان اجتماعی نیز نظریه‌هایی نیستند که از روشهای فرضیه‌ای و استقرایی حاصل شده باشند؛ بلکه نظریه‌هایی‌اند که از اصول قانون‌شناختی^(۳) و با استدلالها، نقدهای مستمر و قوی و با آنچه امروزه علم تفسیر^(۴) خوانده می‌شود پدید آمده‌اند. گرچه به نظر می‌رسد که نظریه‌های علوم اجتماعی معاصر رگه‌های وسیعی از روشهای سنتی قیاسی^۲ را دربرمی‌گیرند، ولی شکی نیست که شیوه دستیابی و تأیید یا ابطال آنها پیوندهای خود را با اشکال شانزده‌گانه و قیاسی منطق صوری و ارسطویی گسسته‌اند و از روش جدیدی پیروی می‌کنند که حاصل برآیند جدال طولانی تفکرات قیاسی و استقرایی بعد از رنسانس است. و اساساً به دنبال همین جدال مقدس یا به قول ماکس وبر «نبرد روشها» که بین تفکر و تجربه و تعقل و مشاهده در قرن نوزدهم در آلمان به وقوع پیوست، روش‌شناسی^۳ جدیدی در علوم انسانی به وجود آمد.

«روش‌شناسی» گرچه ارتباط خود را از طرفی با منطق و از طرف دیگر با معرفت‌شناسی،^۴ که نظریه جدید دانش است، حفظ کرده ولی از نظر ماهیت و کارکرد با هر دوی آنها متفاوت است. از نظر ماهیت، «منطق» شکل و قالب اندیشه، «روش‌شناسی» درون‌مایه تفکرات و «معرفت‌شناسی» نیز اعتبار نظریه‌ها را بررسی می‌کنند. از نظر کارکرد نیز، «منطق» اصول و قوانین کلی را ایجاد می‌کند و «روش‌شناسی» به معنی دار یا بی‌معنی بودن اصول و قواعد ساخته شده یا موجود در هر رشته می‌پردازد و در نهایت روش درست تحقیقات آن رشته را مشخص می‌کند؛ «معرفت‌شناسی» هم فلسفه و ماهیت دانش و حقیقت به کار رفته در نظریه‌های یک نظام فکری و علمی را بیان می‌کند. اصولاً امروزه چهار رکن اصلی نظام و زمینه‌های

1. macro
2. deductive
3. methodology
4. epistemology

1. micro
2. laboratory studies

فکری هر رشته عبارت‌اند از فلسفه، منطق، روش‌شناسی و معرفت‌شناسی. از این چهار رکن، دو رکن فلسفه و معرفت‌شناسی زمینه‌های نظری و دو رکن منطق و روش‌شناسی زمینه‌های روش‌شناختی هر رشته علمی را تشکیل می‌دهند.

در کتاب جداگانه‌ای زمینه‌های نظری نظام فکری مدیریت و سازمان و سیر تحولات آن را بررسی کرده‌ایم^(۵) و در این کتاب مبانی روش‌شناختی نظریه‌های سازمان و مدیریت را مطالعه می‌کنیم. مباحث ما شامل منطق نمی‌شود، چه به شکل سنتی و رسمی آن که منطق صوری ارسطویی است و چه به صورت جدید که عمدتاً منطق صوری ریاضی است و نورث وایتهد و برتراند راسل بنیان‌گذار آن بودند. بلکه سعی کرده‌ایم زمینه لازم و محکمی از روش‌شناسی را برای شناخت بهتر سازمانها و تدوین شیوه‌های تحقیق در مدیریت ارائه دهیم.

در این کتاب سعی بر این است که در فصل آغازین با روشن کردن مفاهیم و تعاریف، سیر تحولات روش‌شناسی به تصویر درآید و سپس در فصل دوم به سؤال اساسی روش‌شناسی علوم رفتاری که سازمان و مدیریت از نظر روش‌شناسی زیربخش آن قرار می‌گیرند پاسخ داده شود. در فصل پایانی اندیشه‌های ماکس وبر در روش‌شناسی که متأسفانه تا همین اواخر ناشناخته باقی مانده و حتی در امریکا نیز تا قبل از دهه ۸۰ از آن غفلت شده بود به عنوان یک روش‌شناسی علمی برای شناخت علوم اجتماعی به طور عام و برای شناخت سازمان و مدیریت به طور خاص مورد بحث قرار گیرد.

در پایان یادآوری این نکته لازم است که این کتاب برای دانشجویان علوم انسانی و اجتماعی و عمدتاً برای دانشجویان رشته سازمان و مدیریت نوشته می‌شود. مفاهیم فلسفی و روش‌شناختی در یادداشتها آورده شده است. بر خود واجب می‌دانم که از تمام عزیزانی که به هر جهتی در فراهم آمدن این کتاب یاری‌ام کرده‌اند و مخصوصاً برادر عزیز و دانشمند آقای دکتر علی رضائیان که به حق او را مسلمانی متعهد و باکرامت یافتم و عزیزانی که در سازمان سمت در ویرایش و چاپ این کتاب زحمت کشیدند صادقانه تشکر نمایم.

حسن میرزائی اهرنجانی

پی‌نوشتها

۱. روشهای کلی‌نگر (wholistic) برعکس روشهای جزئی‌نگر و استقرایی به جای تجزیه و تحلیل و بررسی اجزاء و عناصر تشکیل‌دهنده پدیده‌ها، کل پدیده را یکجا و به طور یکپارچه بررسی و تحلیل می‌کنند مانند روش سیستمی. بنابراین برای روشهای کلی اجزاء و عناصر یک نظام فکری مورد توجه نبوده بلکه روابط بین عوامل و عناصر تشکیل‌دهنده و رابطه یک نظام یا پدیده با نظامهای فراگیرتر و وسیع‌تر مد نظر است.

۲. روشهای جامع یا جهانشمول (universal) نیز جزو روشهای کلی‌نگر و قیاسی (deductive) محسوب می‌شوند که با جستجو و یافتن اصول بنیادین و قوانین علمی (scientific law) حاکم بر پدیده‌ها و نظامهای فکری سعی در تعمیم (generalization) ویژگیها و یا مشخصات آن پدیده‌ها و نظامها در همه زمانها و همه مکانها دارند. این روشها در پی یافتن و تعمیم الگوها و طرحهای کلی برای شناخت پدیده‌ها هستند. روشهای اصول‌گرایان در مطالعه سازمانها که منجر به تدوین الگوی کلی (POSDCO-RB) برای بررسی و شناخت کلیه سازمانها گردید و روش «تفهیمی» (vereshtehend) ماکس وبر (Max Weber) در شناخت بوروکراسی را می‌توان مثالهای واضحی برای روشهای جامع و عام ذکر کرد.

۳. nomological، اصول و قواعد قانونی اصول و قواعد علمی برای استدلال و بیان گزاره‌ها یا قضیه‌های منطقی به کار می‌روند. هرچند که این اصول و قواعد بیشتر در قضایای هندسی و منطق صوری ارسطویی به کار گرفته شده‌اند، امروزه در استدلالهای مربوط به علوم انسانی و اجتماعی نیز به‌خوبی به کار گرفته می‌شوند.

۴. هرمنوتیک (hermeneutics) عبارت از علم و هنر تفسیر است. به هرمنوتیک به این دلیل علم گفته می‌شود که تفاسیر آن سلیقه‌ای و ذهنی نبوده بلکه باید بر اساس اصول و قواعد قانونی به عمل آید و از این نظر به آن هنر می‌گویند که مخصوصاً در علوم انسانی و اجتماعی تفاسیر می‌بایست قانع‌کننده و مجاب‌کننده نیز باشد. به همین علت هرمنوتیک در تفسیر متون کلاسیک، ادبی و دینی جایگاه ویژه‌ای دارد.

۵. کتاب مبانی فلسفی تئوری سازمان که توسط همین ناشر و هم‌زمان با همین کتاب نشر یافته است.